هو العلیم

اسرار و احکام حج (مجلس اول)

پرسش و پاسخ راجع به اسرار و احکام فریضهٔ الهی

حج

بیانات:

حضرت آیةاللَه حاج سید محمدمحسن حسینی

طهرانی

قدس الله سره

أعوذ باللَه من الشّيطان الرّجيم

بسم اللَه الرّحمٰن الرّحيم

و صلَّى اللَه علىٰ محمدٍ و آله الطّاهرين

و لعنةُ اللَه علىٰ أعدائهم أجمعين

حقیقت نیت چیست؟

سؤال: در رابطهٔ با نیت ـ هم در طواف، هم در وقوف یا در بقیّهٔ اعمال حج ـ زیاد تأکید می‌کنند که به این شکل گفته شود؛ این نیت، همین‌که انسان برای انجام فعل، آن قصد را دارد کافی هست یا نیست؟

جواب: به همان نفس خواست و خود آن میل انسان نسبت به یک عمل نیت می‌گویند. این مسئله در مورد نیت توقّف ده روز و همین‌طور راجع به نیت قصر، یا راجع به نیت روزه، نیت غسل و امثال‌ذلک هم هست.

یک اشتباهی که الآن در میان مردم هست این است که تصوّر می‌کنند باید در اول طلوع فجر یک خواستی را در ذهنشان مرور کنند، یعنی در واقع حال، اگر به تلفّظ هم نیاورند، همین‌قدر در نیت آنها باشد که ما از الآن که اذان صبح است تا هنگام غروب آفتاب، این روزه را با این شرایط و با این امساک‌ها و با این خصوصیّات انجام می‌دهیم! ولی این نیت

نیست، بلکه نیت همان خواست است. همین‌که شما برای سحری خوردن بلند می‌شوید، این خودش نیت روزه است. و دیگر نیاز نیست که در اول اذان صبح هم مجدّداً این خواست را تکرار کنید. یا وقتی که مشغول نماز می‌شوید، خب طبعاً همین بلند شدن به‌سمت نماز و ایستادن، به معنای وارد شدن در نماز است و دیگر نیاز نیست یک نیت مجدّدی در اول نماز [بکنید که مثلاً] نیت نماز واجب و یا نیت نماز [مستحبی می‌کنم!] البتّه بله، کسی که برای نماز ظهر یا برای نماز عصر برمی‌خیزد، برای صِرف نماز برنمی‌خیزد، بلکه به قصد نماز عصر برمی‌خیزد و همان کفایت می‌کند.

و همین‌طور راجع به توطّن؛ رفتن و ده روز در یک‌جا ماندن [که وقتی] می‌گویند: «قصد ده روز کرده‌ای؟» می‌گوید: «نه، قصد نکرده‌ام!» درحالتی‌که می‌خواهد پانزده روز بماند! [ولی] می‌گوید: «نه، ما قصد نکرده‌ایم، ولی شاید پانزده روز بمانیم!» خب همین‌که این می‌خواهد بماند یعنی قصد کرده است.

این قصد چیز جدیدی جز همان خواستی که

ما در سایر مسائل، آن خواست را إعمال می‌کنیم نیست. شما که الآن می‌خواهید به حرم بروید، می‌گویید: نیتِ رفتن به حرم کردم؛ یا شما که می‌خواهید بروید از میوه‌فروشی سیب بخرید، نیت خرید میوه کرده‌اید و به‌جای میوه‌فروشی، در دکّان قصابی نمی‌روید! همین‌که به نیت خرید میوه می‌روید، معنای آن همان قصد کردن است. و مجدّداً موقع خرید میوه به فروشنده نمی‌گویید: «من قصد می‌کنم یک‌کیلو سیب به این مبلغ از تو بخرم قربةً إلی الله!» همان نفس عمل و خود کاری را که انجام می‌دهید، خود آن همین نیت است.

بناءً علی هذا نیت به این کیفیت و این‌قسم که مطرح می‌شود، شرعاً لازم نیست؛ بله، ممکن است آنچه را که این آقایان مطرح می‌کنند، برای عوام [مفید باشد] که یک وقتی اگر در کار اینها شک و شبهه‌ای پیدا می‌شود، [به آنها گفته شود:] نه آقا! من شنیدم که تو نیت کردی و حتی به زبان هم آوردی! که جلوی شک و شبهه گرفته بشود، وإلاّ نیازی به زبان آوردن نیت نیست. به همان خواست انسان که هر عملی را انجام می‌دهد ـ می‌خواهد برود طواف

کند به نیت طواف، می‌خواهد سعی کند به نیت سعی ـ به همان نفس خواست نیت می‌گویند.

طواف و کیفیت نماز با غسل‌های مستحبی

سؤال: آیا می‌شود با غسلِ قبل از احرام طواف کرد یا وضو لازم است؟

جواب: تمام غسل‌های مستحب ـ هر غسلی باشد ـ احتیاج به وضو ندارند! غسل قبل از احرام هم از همین قاعده مستثنی نیست و با همان غسل می‌توانید نماز بخوانید. چون در موقع احرام، دو رکعت نماز ـ در مسجد شجره برای افرادی که مدینه‌جلو هستند، و یا از مسجد تنعیم و یا در مسجد جحفه برای افرادی که زودتر به مکّه می‌روند ـ مستحب است؛ [لذا] با همان غسل می‌شود نماز خواند، طواف کرد و سایر اعمال را هم انجام داد و حتی بعد از احرام هم غسل‌هایی هست که آن هم همین‌طور است.

قربانی و مسائلی پیرامون آن

سؤال: الآن در رابطه با قربانی، به بعضی که وکالت داده‌اند گفته شده است که می‌توانید قبل از اینکه به شما بگویند که به نام شما قربانی کرده‌اند حلق کنید.

جواب: قبل از قربانی نمی‌شود، باید مطمئن باشید که قربانی شده بعد حلق کنید.

سؤال: حدّ مِنیٰ هم مشخص است؟ می‌گویند الآن می‌روند یک جایی که ظاهراً بیرون از آن قسمت منی است.

جواب: در هر قسمتی که باشد اشکالی ندارد.

سؤال: ظاهراً در این خصوص از هر کاروان دو نفر به نیابت از همه می‌روند و

جواب: خیر، شرعاً اشکالی ندارد؛ ولی ما چون به افرادی که می‌روند و در انتخاب آن ذبیحه اعتماد نداشتیم، لذا ما این کار را نکردیم و خود همین رفقا رفتند و انجام دادند، ولی سایر افراد کاروان به همان مسئولین کاروان وکالت دادند. علیٰ‌کلّ‌حال من خیال می‌کنم که اگر یک فرد مورد اعتمادی هست و شرایط را رعایت می‌کند [وکالت دادن به او اشکالی ندارد؛] چون در آنجا هم پیدا کردن یک قربانی صحیح مشکل است! حالا آنچه را که من شنیدم این است که اینها همین‌طوری یک مجموعه‌ای را یک مرتبه می‌گیرند و بدون توجّه به خصوصیّات یا نقائصی که دارند همه را قربانی می‌کنند، چون اگر بخواهند یکی‌یکی [انتخاب و قربانی] کنند ممکن است دو ـ سه ساعتی طول بکشد تا بتوانند برای صدتا یا بیشتر پیدا کنند! یعنی فقط پیدا کردن آن ـ غیر از سایر کارهایش ـ دو سه ساعت طول می‌کشد. علیٰ‌کلّ‌حال باید حاجی مطمئن باشد که قربانی او قربانی صحیحی بوده است.

سؤال: سلامت قربانی تا چه حدّی [باید لحاظ شود؟] بعضی می‌آیند گوش قربانی را سوراخ می‌کنند، آن سوراخ هم اشکال دارد؟

جواب: بله، از همه جهت باید سالم باشد.

سؤال: کنفرانس اسلامی در سال گذشته تصویب کرد که یک برگه [رضایت‌نامه] از حاجی‌ها می‌گیرند که این قربانی‌هائی را که می‌کشند، دیگر مثل زمان قدیم دفن نمی‌کنند و به کشورهای جهان سوم و نیازمند می‌فرستند. سال گذشته هم ظاهراً هفتاد هزار رأس برای ایران فرستادند. به ما هم اعلام کردند که درصورتی‌که راضی هستید این برگه را پر کنید و بدهید؛ این اشکالی ندارد؟

جواب: نه، عیب ندارد. البتّه واجب است که ثلث قربانی را خود حاجی ـ خود شخص قربانی‌کننده ـ مصرف کند، ثلث آن را به فقرای مؤمنین و ثلث دیگر را به خود مؤمنین بدهد. ولی از باب اینکه بالأخره در منی امکانات نیست و روشن‌کردن آتش به هر وسیله در آنجا ممنوع است و طبخ هم نمی‌کنند، لهذا تقریباً می‌شود گفت که این میسور نیست. بنابراین کاری که شما انجام می‌دهید این است که سهم خودتان را بریء کنید و ببخشید، و از دوستان هم وکالت بگیرید که آنها هم سهم خودشان را ببخشند. در این‌صورت دیگر اشکالی پیدا نمی‌کند.

سؤال: شما فرمودید با توجه به اینکه باید یقین کند و اشاره فرمودید که معمولاً صلاحیت لازم هم بررسی نمی‌شود، آیا این وکالت‌هایی که می‌گیرند ـ وکیل می‌شوند که سر ببرند ـ [صحیح] نیست؟

جواب: من کار اینها را نفی نمی‌کنم! آن دیگر به تشخیص خود شما است. و من نمی‌توانم بگویم که واقعاً اینها انجام نمی‌دهند و یا صد در صد انجام می‌دهند؛ ولی آنچه را که دوستان خبر آورده بودند

[این بود که] می‌گفتند رعایت نمی‌کنند.

سؤال: در خصوص قربانی که بعد از بازگشت جلوی حاجی می‌کشند، اینکه حاجی می‌آید و مثلاً شش هفت‌تا گوسفند آورده‌اند و نیازی نیست که بیشتر از دو سه تا را بکشند، اگر ایشان دو سه‌تای دیگر را بکشد و به همان قصّابی که آمده یا مثلاً به آن رستورانی که می‌خواهد از آن غذا بگیرد و به منزل بیاورد بدهد، اشکالی دارد؟

جواب: نه، هیچ اشکالی ندارد.

تفاوت احرام زنان و مردان

سؤال: آقا، مُحِرم شدن خانم‌ها با مردها تفاوتی دارد؟

جواب: فقط از نظر لباس و صورت تفاوت دارد. خانم‌ها صورتشان را نباید بپوشانند! بعضی‌ها مقدّس‌مآبی درمی‌آورند و یک چیزی می‌اندازند جلوی [صورت] تا پوشش بیاید در جلو؛ همهٔ اینها شرعاً اشکال دارد! وقتی خدا گفته نباید صورت زن پوشیده باشد، نباید پوشیده نباشد. ولی در سایر مسائل، در نیت و تَرک‌های احرام تفاوتی ندارند.

تلبیه زمان و محل شروع

سؤال: فرمودید که در مدینه‌اوّل در مسجد شجره مُحرِم می‌شوند، آن‌وقت تلبیه گفتن را از کجا شروع کنند؟

جواب: تلبیه را از خود مسجد شجره شروع کنند.

سؤال: آقا، در مکّه از کجا شروع کنند؟

جواب: تلبیه از مسجد شجره شروع می‌شود؛ البتّه یک تلبیه واجب است و بقیّه مستحب است و این هم تا وقتی است که خانه‌های مکّه پیدا می‌شود؛ وقتی خانه‌های مکّه پیدا شد، دیگر باید تلبیه را قطع کنید. البتّه در عمره! اما برای حج از خود

مسجدالحرام؛ در خود مکّه، هرجای مکّه می‌شود احرام برای حج ـ که همان رفتن به عرفات است ـ بست؛ منتهی در خود مسجدالحرام بهتر است! آنجا تلبیه را می‌گویید، لبّیک را می‌گویید و به‌سمت عرفات حرکت می‌کنید و تا ظهر روز عرفات می‌توانید این تلبیه را بگویید، از ظهر روز عرفات دیگر باید قطع شود.

استفاده از زیرانداز و فرش

سؤال: یک زیرانداز هایی هم داده‌اند که قسمتی از آن حصیری است، استفادهٔ از آن مشکلی ندارد؟

جواب: استفاده اشکالی ندارد، ولی اگر نسبت به آن هم احساس می‌کنید که ممکن است حساسیت داشته باشند انجام ندهید.

سؤال: روی فرش چطور؟

جواب: روی فرش هم عیب ندارد. البتّه در مسجدالنّبی جاهایی هست، درعین‌حال اگر هم نتوانستید، نیاز به خیلی زحمت‌انداختن نیست! ما خودمان روی فرش هم سجده می‌کردیم.

تمام‌بودن نماز در مکّه و مسجدالنّبی

سؤال: تمام‌خواندن نماز در مسجدالحرام و مسجد مدینه تا چه حدی را [شامل می‌شود؟]

جواب: در [تمام] مکّه! نه فقط مسجدالحرام؛ و در تمام مسجدالنّبی؛ تمام آنچه را هم که اضافه

شده است ـ در خصوص مسجد، غیر از صحن‌ها! ـ و آنچه را هم که از صحن‌های جدید اضافهٔ [به مسجد] و جزء مسجد شده است، جزء مسجد حساب می‌شود و فقط مسجد قدیم ملاک نیست.

اعمال مکّه و مدینه

سؤال: مکان‌هایی که توصیهٔ حضرت‌عالی هست که در مکّه و مدینه آنجا برویم و اعمالی انجام بدهیم، کجاست و آن اعمال چیست؟

جواب: در مدینه، بعضی جاها هست که خود این کاروان می‌برد ـ و فقط یک روز می‌برند ـ که خُب همان یک روز هم کافی است. ولی غیر از مواردی که اینها می‌برند، یکی مسجدالإجابه است که تقریباً ده دقیقه یک ربع تا خود حرم فاصله دارد و گنبد و مناره‌های آن پیدا است، که به آن مسجد مباهله هم می‌گویند. و یکی مسجد قُبا است ـ خیلی مسجد عجیبی است! ـ که یک مرتبه به مسجد قبا می‌برند، اما شما دفعات متعدّد بروید و در آن هم توقّف کنید و اگر [مجال] هست دو ساعت، سه ساعت بمانید. و یکی دیگر از جاهایی که در مدینه خوب است که حتی چند مرتبه هم اگر شده، اشکال ندارد و خوب است بروید، مسجد ردّالشمس است، که به همان کیفیت سابق خود باقی مانده است. همهٔ

این مساجد را تسطیح کردند و دوباره تجدید بنا کردند، ولی مسجد ردّالشمس را به همان کیفیت باقی گذاشتند. این سه مسجد هست و جای دیگر نه، جای دیگری ندارد.

سؤال: آقا، مکّه چطور؟

جواب: در مکّه نه؛ مکّه جای به‌خصوصی ندارد.

خصوصیّات غار حراء و قبرستان بقیع

سؤال: غار حراء و اینها چطور؟

جواب: غار حراء خب خوب است؛ حالا اگر یک وقتی مجالی برایتان بود [خوب است بروید؛] اما اگر خواستید به غار حرا بروید، اگر دیر بروید نمی‌توانید! به یک قِسمی بروید که نماز صبح و طلوع فجر پایین کوه باشید، چون بعد شلوغ می‌شود! وقتی نماز خواندید حرکت کنید بالا بروید و تقریباً یک نیم‌ساعتی هم طول می‌کشد.

سؤال: بقیع چطور؟

جواب: تمام بقیع مملوّ است از قبرهای خویشان پیغمبر و اصحاب و همین‌طور اهل‌بیتی که در مدینه بودند؛ بنابراین هرجای بقیع که حرکت می‌کنید، گرچه تمام قبرستان خاک است، ولی طبیعتاً در هر قدمی ممکن است که مقامی باشد و محترم،

لذا از اول قبرستان بقیع کفشتان را دربیاورید و پابرهنه باشید. اول ائمه را زیارت می‌کنید و بعد حرکت می‌کنید، اولین قسمت سمت چپ، زن‌های پیغمبر هستند که در سمت راست واقع می‌شوند؛ یعنی وقتی می‌خواهید به‌سمت چپ حرکت کنید، اینها سمت راست واقع می‌شوند و تعداد سنگ‌ها هم مشخص است؛ و بعد سمت چپ، أمّ‌البنین هست؛ جلوتر که می‌رود به قبر حضرت ابراهیم، پسر پیغمبر می‌رسد؛ جلوتر قبر عثمان بن حنیف است؛ و همین‌طور قبر اصحاب و اهل‌بیت پیغمبر در همان منطقه پراکنده است. در هنگام زیارت ائمهٔ بقیع هم توجّه داشته باشید که زیارت، زیارت استقلالی نباشد و در تحتِ تبعیت زیارت پیغمبر، زیارت [آنها] انجام می‌گیرد.

تفاوت خصوصیّات و آثار مکّه و مدینه

سؤال: شنیدم که [توجّه انسان باید] در مدینه به یک نحو خاصی باشد و در مکّه به‌نحو خاصی.

جواب: طبعاً در مدینه آن عظمت و سیطره و اشراف رسول خدا دیگر جایی را برای کس دیگری باقی نمی‌گذارد! لذا در مدینه ـ در مسجد و همین‌طور در قبرستان بقیع ـ فقط نظر به پیغمبر خدا

باشد و به سایر مطالب و جوانب توجّه نکنید. و سعی کنید در مدینه در همان قسمت‌ها زیاد حرکت کنید، زیاد قدم بزنید و در همان دور و بر مسجدالنّبی که محلّهٔ بنی‌هاشم هم همان‌جا است [زیاد حرکت کنید!]

ما باید بدانیم که رسول خدا ده سال در این مدینه راه می‌رفت و قطعاً قدمی که ما برمی‌داریم یک روز رسول خدا پای خود را در همین‌جا گذاشته است! با توجه به این مسئله حرکت کنیم و این مطلب را دائماً در میان خودمان مرور بدهیم و باید در نفس خودمان مرور بدهیم.

و در مدینه ذکر صلوات و لا إله الّا الله خیلی مهم است و با توجه به همین نکته، هرچه بیشتر حرکت کنید بهتر است. اگر حالی پیدا کردید رفتن در همین نخلستان‌های کنار مدینه که هست و ساعاتی را گذراندن خیلی خوب است و خب تداعی همان خاطرات و مسائلی می‌شود که در همان زمان‌ها انجام شده است.

جایی هست به نام بیت‌الأحزان ـ که الآن آن

را جزء خیابان کرده‌اند، ولی آن کاروان‌ها، آن کسانی که وارد هستند می‌دانند کجاست ـ که محلی بوده که حضرت زهرا سلام اللَه علیها به آنجا می‌رفتند.

سعی کنید در مکّه، هر وقتی را که می‌توانید در مسجدالحرام بگذرانید! چه حال برای طواف داشته باشید یا نداشته باشید. و اصلاً نگاه کردن به خود کعبه عبادت است، و به‌جای نماز طواف کنید: «**الطَوافُ بِالبَیتِ صَلاةٌ**؛[1] طواف به‌جای صلاة حساب می‌شود.» هرچه بیشتر طواف کنید بهتر است و اثر آن بیشتر است. هر شب رفتن در حِجر اسماعیل و دو رکعت زیر ناودان نماز خواندن خیلی مهم است و داریم که در آنجا دعا مستجاب می‌شود.

از جمله جاهایی که در موقع طواف خوب است [بروید] محلی است که مادر امیرالمؤمنین در آن محل وارد کعبه شد و حضرت را به دنیا آورد، و الآن مشخص است که ترتیب آن سنگ‌ها با سایر سنگ‌ها تفاوت دارد، که به آن مستجار می‌گویند. خوب است انسان به آنجا برود و خودش را

---

[1] مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ٤١٠؛ عوالی اللّئالی، ج ۱، ص ٢١٤.

بچسباند، یعنی برود بالا ـ به‌اصطلاح یک شاذروان و بلندی در کنار دارد ـ و بایستد. البتّه ممانعت می‌کنند ولی خب اگر مجالی پیدا شد، خوب است انسان خودش را آنجا، در آن محل بچسباند. تقریباً نزدیک رُکن یمانی است و یک‌مترونیم تا رکن یمانی فاصله دارد.

و موقع نشستن ـ شب‌ها، هر وقتی که می‌خواهید ـ بروید در مقابل این بنشینید. مرحوم آقا می‌آمدند همین‌جا می‌نشستند، تقریباً مقابل همان مستجار می‌نشستند و آنجا نماز می‌خواندند و کارهایشان را آنجا انجام می‌دادند، و مواعده‌ای بود که هر کسی می‌خواست کسی را ببیند، می‌آمد آنجا، می‌دید که ایشان آمده‌اند.

و در خصوص مکّه (مسجدالحرام) ـ در جای دیگر این‌طور نیست، فقط در مکّه این‌طور است ـ اگر در نماز، زن در کنار مرد و حتی اگر جلوی او هم بایستد، اشکالی ندارد.

توجّه به توحید در مکّه

سؤال: باید توجّه‌مان هم به توحید باشد؟

جواب: بله، در مکّه فقط باید به مسئلهٔ توحید

توجّه کرد و اینکه بالأخره همه آمده‌اند در اینجا تا اینکه هرچه غیر از توحید هست را بیندازند! همهٔ انبیا، ائمه و اولیا آمده‌اند به دور همین کعبه گشته‌اند، یک روزی همین‌جایی که ما داریم الآن می‌گردیم، امیرالمؤمین می‌گشته است، یک روزی پیغمبر می‌گشته است، یک روزی امام حسن می‌گشته است، امام حسین می‌گشته است و امام زمان اینجا می‌گردد! همین الآن در همین طوافی که داریم انجام می‌دهیم، شاید امام زمان حضور داشته باشد! این مسئله را داشته باشید. ولی همهٔ اینها در اینجا، به چیز دیگری غیر از توحید فکر نمی‌کنند! حتی ائمه فقط به مسئلهٔ توحید فکر می‌کنند. لذا هیچ‌وقت در مکّه نباید نظر، نظر از توحید به غیر باشد، یعنی فقط باید خواستْ خدا باشد.

در مکّه ـ به‌خصوص در کعبه و مسجدالحرام ـ باید شفیع قرار دادن و توسّل کردن و... را کنار گذاشت و نفسِ توجّه به توحید همان خود توسّل است! یعنی در مکّه، فقط بایستی به مسئلهٔ توحید فکر کرد و انسان دعا کردن و خواستن و... را کنار بگذارد یا بگذارد برای آن‌وقت آخر که

می‌خواهد بیاید. [خلاصه] ذهن خودش را به همین دعاها و... مشغول نکند.

در حج از خداوند چه بخواهیم؟

سؤال: در اولین بار، سه حاجت برآورده می‌شود؛ چه بخواهیم؟

جواب: اینها در میان مردم شایع است! سی حاجت برآورده می‌شود، چه کسی گفته سه حاجت؟!

سؤال: چه بخواهیم؟

جواب: هرچه! هرچه را که [بخواهیم!] اگر از شما سؤال کنند چه می‌گویید؟

سؤال: خود خدا را می‌خواهیم

جواب: خب بله، همین دیگر؛ حاجتی بخواهید که بعد از اینکه برآورده شد احساس غبن نکنیم که چرا بهترش را نخواستیم!

سؤال: حالا چه بخواهیم؟

جواب: خب دیگر، به ایشان گفتم؛ فقط عبودیت و معرفت خود [پروردگار] و عافیت دارَین: دنیا و آخرت!

عافیت، به معنای تطبیق عمل و وجود انسان است با آنچه که مورد رضای پرودگار است. به این عافیت می‌گویند. چه‌بسا ممکن است انسان سالم باشد، ولی این سلامت برای او عافیت نباشد!

[چون] سلامت موجب غرّه شدن و موجب گول خوردن او خواهد شد، و موجب این می‌شود که مغرور شود و مغرور به دنیا و منصرف از او بشود. ولی اگر انسان عافیت را بخواهد، در هرحالی رضای او و عبودیت او مطرح است! چه سالم باشد چه مریض باشد، چه در سعه باشد چه در ضیق باشد، در تمام این امور چون او رضایت دارد دیگر مسئله تمام است! این عافیت است.

بنابراین بهترین دعا این است که عبودیت را بخواهیم: خدایا! ما را آن‌چنان قرار بده که عبد تو باشیم!

این را من می‌خواهم بگویم که حتی رسیدن به او و خواست به او را هم نداشته باشید! حتی خواست او! خدایا ما را بندهٔ خودت قرار بده، می‌خواهی برسان می‌خواهی نرسان! هان! مولا نسبت به بنده‌اش چه می‌کند؟ اینکه بگوییم: «خدایا ما را به خودت برسان!» این‌هم خودش یک خواستی از طرف ما است! ولی اگر عبودیت را بخواهیم دیگر در آن همه چیز هست. بگوییم خدایا ما را عبد خودت کن و از اینجا جایی نبر و ما را از اینجا جایی

دیگر نینداز! حالا دیگر هرچه می‌خواهی بکنی بکن و خودت هم تحمّل آن را بده و خودت هم خواست را از ما بردار و خودت هم تحمّل بده تا اینکه مراتب عبودیت را طی کنیم.

ادعیهٔ توحیدی وارد شده در مکّه

سؤال:... من این‌طور برداشت کردم که در کعبه دعای جوشن کبیر و امثال آن خوانده شود و زیارت جامعهٔ کبیره و اینها برای مدینه باشد.

جواب: بله، آن ادعیهٔ در مکّه، ادعیهٔ توحیدی است. در موقع طواف اللَه اکبر و لا إله الّا اللَه زیاد بگویید و خب در مکّه زیارت جامعه و اینها نیست، این مربوط به مدینه است. اما در خصوص مکّه، یک ادعیه‌ای نسبت به کارهایی که انجام می‌دهید هست که مرحوم فیض دارد و در کتب ادعیه‌ای هم که به حجّاج می‌دهند این مسئله نوشته شده است؛ در موقع صفا و مروه و در موقع خود طواف کردن، بعد از اینکه آن ادعیه را انسان گفت، ذکرش لا إله الّا اللَه و اللَه اکبر باشد و همین‌طور حدّاقل ختم یک قرآن در خصوص مکّه و به‌خصوص در مسجدالحرام خیلی وارد شده است.

سؤال: ببخشید، فرمودید که در طواف به‌جای آن ادعیه‌ای که مقرّر کرده‌اند لا إله الّا اللَه و اللَه اکبر بگوییم؟

جواب: نه، آن را که خواندید، تتمّهٔ وقت را

به لا إله الّا الله و الله اکبر [بگذرانید!] آن [ادعیه] فقط برای یک مرتبه است، برای طواف عمره و طواف حج است. اما در طواف‌های مستحبی و همین‌طور [طواف‌هایی که] اضافه انجام می‌دهید، بعد از اینکه آن دعا را در طواف خواندید ـ چون در هر شوطی یک دعای خاص دارد ـ بقیّهٔ آن را لا إله الّا الله و الله اکبر بگویید. و در شوط دوم هم همین‌طور.

میزان فاصله از کعبه در هنگام طواف

سؤال: فاصله گرفتن از خانهٔ خدا در طواف تا چقدر [صحیح است؟]

جواب:... اگر ازدحام به‌نحوی بود که طواف مشکل بود، می‌توانید حتی فاصله هم بگیرید و به هر مقداری هم که فاصله گرفتید اشکالی ندارد.

سؤال: در آن طبقات بعدی هم می‌شود؟

جواب: آن هم اشکال ندارد، درصورتی‌که در این طبقات پایین نشود در آن طبقات اشکالی ندارد؛ ولی می‌شود، این‌طور نیست که نشود.

تبرک جستن و بوسیدن حجرالأسود

سؤال: این تأکیدی که شده انسان حجرالأسود را لمس کند، اگر موجب اذیّت و آزار مردم شود [چه حکمی دارد؟]

جواب: البتّه افرادی که برای استلام و بوسیدن حجرالأسود می‌آیند، خودشان را آماده برای یک‌هم‌چنین مسئله‌ای کرده‌اند! یعنی اگر آنها به

انسان صدمه نرسانند بعید است امثال شماها به آنها صدمه برسانید. ولی علیٰ کلّ حال بالأخره اگر مجالی پیدا شد عیب ندارد، ولی خیلی اصراری هم نداشته باشید که یک وقتی بخواهید صدمه‌ای ببینید و...!

طواف به دور ولایت، حقیقت طواف خانهٔ خدا

سؤال: ببخشید، در صحبت‌ها فرمودید که طوافی که در مکّه انجام می‌دهیم و به دور خانهٔ خدا طواف می‌کنیم، در اصل دور ولایت امام زمان علیه السّلام و ولایت آقای حدّاد می‌گردیم! این را توضیح بدهید.

جواب: البتّه آن مسئله مربوط به همان‌جا است، ولی آنچه که در اینجا عرض می‌کنم این است که: اصل این مسئلهٔ گردش و طواف یک عمل ظاهر است که این عمل ظاهر باید حکایت و اشارتی از توجّه قلبی به آن عوالم معنا و عوالم ولایت باشد. می‌دانید که خداوند عوالم را در هفت عالَم خلق کرده است و این هفت عالم، یکی عالم مادّه است که همین عالم اجرام، کواکب و سیّارات است؛ و یکی عالم مِثال است؛ عالم سوم، عالم ملکوت سفلیٰ است و چهارم ملکوت عُلیا و پنجم جبروت و ششم لاهوت و هفتم هم همان عالم اسماء کلّیه است که بعد از او دیگر عالمی وجود ندارد، یعنی [بعد از آن] همان جنبهٔ ذات است؛ یا اینکه بنا بر اختلاف در تعبیر، آن

عالمِ هفتم مرتبهٔ ذات است.

طواف: یعنی فدا کردن، یعنی خود را باختن، خود را تسلیم کردن و خود را ناچیز شمردن. دیده‌اید وقتی که مردم قربان‌صدقهٔ همدیگر می‌روند می‌گویند: الهی دورت بگردم! «الهی دورت بگردم» یعنی خدا من را فدای تو کند، من را قربانی تو کند، اگر مرضیٰ پیش می‌آید به من بخورد و اگر موتی و مصیبتی پیش می‌آید به من بخورد. این چیزی است که مردم اصطلاحاً می‌گویند و در میان آنها متعارف است.

طواف در دور کعبه به این هفت شکل، به معنای خدا و ذات خدا را محور قرار دادن و بعد [در برابر] آن ذات در تمام مراتب وجودی خضوع و تواضع کردن و خود را فانی دانستن در همهٔ مراتب وجودی است. به این معنا که انسان در مرتبهٔ مادّه غیر از او مؤثّری نبیند، در مرتبهٔ مثال اثر او را فقط ببیند و استقلالی نبیند و در عالم ملکوت، جبروت، لاهوت و در تمام این عوالم به جنبهٔ استقلال نگاه نکند. یعنی خدایا اگر من در آن ملکوتِ تو وارد شدم، تصوّر نباشد که حالا برای خود ارزشی قائل

هستم و برای خودم حساب و کتابی باز کنم! اگر من وارد عالم لاهوت شدم این‌طور نیست که من از خود ببینم و نسبت به این قضیّه، احساسی در من به وجود بیاید! نه، من در همهٔ مراتب آثار وجود و مراتب نزول اسماء و صفات کلّیه و مراتب نزول ذات، سر تسلیم فرود می‌آورم و نسبت به همهٔ این مراتب اعتراف و اقرار می‌کنم و آن حقیقت ولایتِ ذات را که در وجود و نفس حضرت امام زمان علیه السّلام و أرواحنا فداه هست، من به این مراتب وجودی اعتراف می‌کنم و ولایت آن حضرت را در همهٔ این مراتب تصدیق می‌کنم.

همهٔ این هفت شوط عبارت است از [طواف در] هفت مرتبهٔ عوالم از نظر طولی تا به مرتبهٔ ذات برسد و خود کعبه هم که از او تعبیر به ذات می‌شود! بیت اللَه است دیگر، یعنی خانهٔ خدا! خانهٔ خدایی که با همهٔ این خصوصیّات و آثار بنا نهاده شده است و این همان معنای طواف دور ولایت است.

قرائت سوره‌های سجده‌دار در نماز جماعت

سؤال: در نماز جماعت که می‌خوانند، اگر به سوره‌هایی که سجدهٔ واجب دارند برسند تکلیف چیست؟

جواب: خب سجده کنید.

دعا و طواف برای دیگران

سؤال: آقا، اطرافیان که التماس دعا می‌گویند و می‌گویند آنجا از طرف ما طواف کنید، این را چه‌موقع انجام بدهیم؟ روزهای آخر انجام بدهیم؟

جواب: هر وقتی که حال داشتید.

سؤال: می‌شود یک نیت کنیم برای همه؟

جواب: بله.

ملاک در پوشیدن انگشتر

سؤال: اینکه گفتند انگشتر عقیق اشکالی ندارد، برای خانم‌ها هم همین‌طور است؟

جواب: برای خانم‌ها هم همین‌طور است. [البتّه] درّ هم همین‌طور است، [و به‌طور کلی] انگشتری که جنبهٔ تزیین و زینت نداشته باشد اشکال ندارد.

احکام نیابت گرفتن

سؤال: خانم‌ها در چه مواردی می‌توانند نائب بگیرند؟

جواب: در مواردی که نتوانند! یعنی اگر در موارد عذر باشند که اگر بخواهند صبر کنند و از آن عذر بیرون بیایند وقت اقامت آنها در مکّه می‌گذرد، در آنجا باید نیابت بگیرند. و همین‌طور در مورد سنگ زدن، که اگر احساس کردند شاید برای آنها خطری پیش بیاید ـ چون ممکن است جمعیّت به اندازه‌ای باشد که شاید فشار جمعیت برای بعضی‌ها که ناراحتی داشته باشند و تحمّلشان ضعیف باشد خطری به وجود بیاورد ـ در این‌صورت باید نیابت

بدهند.

سؤال: آقا، زن هم می‌تواند نائب باشد؟

جواب: بله.

سعی بین صفا و مروه

سؤال: الآن فاصلهٔ بین صفا و مروه دو طبقه شده است، ترجیح با کدام است؟

جواب: طبقهٔ پایین، اگر نشد بالا.

خصوصیّات و آثار وقوف در عرفات و منی

سؤال: در مورد وقوف در منی و عرفات چیزی هست که بفرمایید؟

جواب: راجع به عرفات که خب باید احساس کنید اینجا خارج از حرم است و باید حال را برای ورود در حرم مساعد کرد. در مسئلهٔ مشعر طبعاً انسان وارد در حرم می‌شود و برای کسانی که مرتبهٔ اوّلشان هست، مستحب است که در مشعر راه بروند، یک قدری حرکت کنند و همین‌طور مدام پیاده بروند. سنگ‌ها را هم برای سنگ زدن از همین مشعر بردارید، چون باید فردای آن و دو روز بعدش این سنگ‌ها زده شود. سنگ‌ها اگر به‌مقدار نخود یا یک قدری بزرگ‌تر باشد کفایت می‌کند و سنگ‌هایی که نقطه‌نقطه‌ای و نقطه‌دار است را انتخاب کنید. و منی هم که خب دیگر محل حضرت ابراهیم و جای ذبح کردن است. و [در اصل] منی بوده، یعنی آرزو!

[چون] آرزوی انسان در آنجا برآورده می‌شود. مسجدی در منی هست به نام مسجدالخیف ـ که البتّه الآن خیلی توسعه پیدا کرده است ـ که آن مسجد محل تجلّیات الهیّه بر حضرت ابراهیم و همین‌طور بر بسیاری دیگر از انبیاء بوده است. رفتن در آن مسجد خیلی مهم است! اگر سعی کنید که هر روز به آن مسجد بروید و نمازهای ظهر و عصرتان را آنجا بخوانید، خیلی فوائدی نصیب انسان می‌کند.

سؤال: یعنی هر روز انسان از مکّه به مسجد خیف برود؟

جواب: نه‌خیر! در همان سه روزی که در منی هستند.

سؤال: شب عید چطور؟

جواب: همان شب مشعر است دیگر!

سؤال: چه ذکری و...؟

جواب: نه، چیز خاصی ندارد و مسئلهٔ خاصی نیست.

موقعی‌که می‌خواهید از مشعر حرکت کنید و به‌طرف منی بروید، صبر کنید که آفتاب بزند بعد حرکت کنید. یعنی از وادی مُحسِّر که یک جایی هست، عبور نکنید! صبر کنید اول که آفتاب زد [بعد حرکت کنید!] چون سنّی‌ها بدون توجّه به آفتاب حرکت می‌کنند و می‌آیند.

سؤال: یعنی طلوع [فجر] صادق؟

جواب: نه‌خیر، باید طلوع آفتاب باشد! وقتی آفتاب طلوع کرد بایستی که حرکت کرد.

سؤال: بین اذان صبح تا طلوع آفتاب وقوف در مشعر است.

جواب: بله.

کمک به سایر افراد در اعمال حج

سؤال: کمک کردن به افراد [ناتوانی] که آنجا هستند [چگونه است و آیا] لازم است که انسان خودش را درگیر این کارها کند یا اینکه لزومی ندارد؟ چون بعضی‌ها مراجعه می‌کنند و....

جواب: خب اگر از دست انسان برمی‌آید انجام بدهد.

غسل مسجد شجره

سؤال:...[راجع به] غسل در مسجد شجره، آیا می‌شود انسان داخل خود آن مکان هتل غسل کند و بعد به مسجد بیاید؟

جواب: بله، در همان هتل غسل کنید و بعد به مسجد شجره بیایید. یا بیایید مسجد شجره غسل کنید! اتفاقاً مسجد شجره بهتر است و خیلی هم مجهّز است و خیلی هم تمیز است و همه‌طور وسایل بهداشتی هم هست. بروید در همان مسجد شجره غسل کنید و ما هم همین‌کار را کردیم! از آن هتل لباس احرام ـ حوله و این چیزها ـ می‌پوشیم و با همان کیفیت به مسجد شجره می‌آییم؛ وقتی که آمدیم، می‌رویم آنجا غسل می‌کنیم و کاملاً صابون و آب گرم هست. البتّه اصلاً آنجا آبش گرم است و

حتی [آب] شیرهای جاهای دیگر هم [گرم است!]

ریزش طبیعی مو

سؤال: ریزش مو اگر طبیعیِ خودش باشد اشکال دارد؟

جواب: نه‌خیر، اشکال ندارد.

وظیفهٔ حاجی در برابر التماس دعای افراد

سؤال: بعضاً شده است که آقایان التماس دعا می‌گویند و انسان قول می‌دهد!

جواب: انسان بگوید: «إن‌شاءاللَه هرچه بگویید ما منتقل می‌کنیم!» بروید آنجا بگویید: هرچه این گفت قبول کنید! نیاز نیست یکی‌یکی ذهنتان را به [التماس دعای افراد] بیاورید. همهٔ اینها باعث اشتغال ذهن است! بگویید: دربست هرچه به ما گفته‌اند [اجابت کنید!]

سؤال: اگر انسان در مقابل این افراد تعهّد بپذیرد که ما دعا می‌کنیم!

جواب: خب حالا دلشان را خوش کند آقاجان! چه عیبی دارد؟!

گفتن ذکر لا اله الاّ اللَه در مواقع مختلف

سؤال: فرموده بودید که در مواقع مختلف لسان به ذکر لا اله الاّ الله حرکت کند، در مکّه و مدینه ـ در اوقات فراغت و در بین راه ـ هم همین‌طور است؟

جواب: بله، همه همین‌طور است.

اگر می‌توانید و مجالی پیدا می‌شود، صبح‌ها بعد از نماز صبح و پس از اذکار، به‌جای سوره ٔیس که روزها می‌خوانید در آنجا دعای صباح را بخوانید.

سؤال: اذکار سلوکی که هست چطور؟

جواب: به همان کیفیت.

سؤال: در [میان] عموم و مثلاً در مسجدالحرام بخوانیم؟

جواب: نه، مثلاً بروید کناری در مسجدالنّبی بنشینید، یا اینکه در گوشه‌ای از مسجدالحرام بنشینید. چرا در جلوی مردم؟! در کناری بروید.

... بله، ما دو مرتبه دمپایی خریدیم و هر دفعه هم بردند! بعد دیگر راحت شدیم و هر دمپایی می‌ریختند می‌پوشیدیم! آنها هم که می‌گذاشتند به این نیت نمی‌گذاشتند که بردارند! دیگر همین‌طوری قاطی بود. می‌پوشیدیم می‌آمدیم، دوباره آنجا می‌گذاشتیم، بعد دوباره یکی دیگر می‌پوشیدیم و تا آخر کارمان همین بود. به‌خصوص در مسجدالحرام که به اندازهٔ یک تل دمپایی جمع می‌شد و همهٔ اینها بی‌صاحب بود! و ما دو مرتبه آنجا دمپایی خریدیم و هر دو مرتبه هم بردند! دیگر احتیاج داشتند.

محل دفن حضرت زهرا سلام اللَه علیها

سؤال: فرمودید که [رفت‌وآمد] حضرت زهرا سلام الله علیها در بیت‌الأحزان هست؟

جواب: بله.

سؤال: دفنشان؟

جواب: نه‌خیر، حضرت می‌رفتند به آنجا و تردّد داشتند.

سؤال: چیزی که بیشتر وارد شده راجع به منبر و روضهٔ [منوّره] است!

جواب: نه‌خیر، حضرت زهرا در همان‌جایی مدفون هستند که پیغمبر دفن هستند، منتهی این

فاصلهٔ بین منبر و قبر که تقریباً حدود هفت_هشت متر است خیلی تأکید شده است! ولی قطعاً حضرت زهرا در همان محل پیغمبر دفن هستند.

ساعات زیارت قبرستان بقیع

سؤال: آقا، ساعت‌های حضور در بقیع [به چه نحو باشد؟]

جواب: همان‌که آنها می‌گویند و در اختیار شما نیست! از اول طلوع آفتاب تا دو ساعت باز می‌کنند و بعد از ظهر هم همین‌طور، یکی دو ساعت باز می‌کنند.

سؤال: این‌طور به رفقا اشاره کرده بودند که فرموده بودید ـ اگر اشتباه نکنم ـ یکی بعد از [ساعت] یک صبح و یکی هم قبل از ظهر [باز می‌کنند!]

جواب: نه‌خیر، بعد از ظهر است. صبح و بعد از ظهر باز می‌کنند، ولی ما معمولاً صبح‌ها می‌رفتیم.

احکام عذر بانوان

[خانمی که عذر دارد][1] دو حالت دارد، صورت اول: یکی وقتی که برای عمرهٔ [تمتع] احرام می‌بندد عذر دارد و وقتی وارد مکّه می‌شود عذر او تا زمان اعمال حج باقی می‌ماند، در این‌صورت نیازی به احرام مجدّد نیست و همان احرام عمره با او تبدیل به احرام حج می‌شود و باید به عرفات برود؛

---

[1] متأسفانه این قسمت از صوت ناقص است. (محقق)

وقتی که به عرفات و مشعر و منی رفت، بعد می‌آید و اعمال حج را انجام می‌دهد و بعد اعمال عمره را خودش انجام می‌دهد.

صورت دوم: این است که عمره را انجام می‌دهد ولی در موقع رفتن به عرفات عذر پیدا می‌کند، در این‌صورت باید در همان حال عذر از مکّه احرام ببندد و برود برای عرفات و مشعر و منی و وقتی که برگشت، چنانچه عذر او تا زمانی که کاروان‌ها به ایران برمی‌گردند باقی بود، باید در آنجا به یک شخصی نیابت بدهد که آن اعمالی مانند نماز و طواف را که احتیاج به طهارت دارد انجام بدهد، ولی اعمالی را که احتیاج به طهارت ندارد مانند سعی بین صفا و مروه را باید خودش انجام بدهد و در آنجا اشکال ندارد که باشد، یعنی سعی بین صفا و مروه داخل در مسجدالحرام نیست.

ولی اگرنه، وقتی که به مکّه برگشت اگر مجالی بود تا اینکه این اعمال را انجام بدهد خب دیگر در این‌صورت صبر می‌کند و وقتی که از عذر بیرون آمد خود او مباشرتاً اعمال آن طواف و سعی و

نماز طواف نساء را انجام می‌دهد.

سؤال: می‌توانند قرص بخورند؟

جواب: اگر قرص خوردند، می‌توانند انجام بدهند اما در هر صورت اگر نخورند بهتر است و به تکلیف ظاهر عمل کرده است.

باز بودن صورت بانوان درحال احرام

سؤال: در هنگام احرام آیا خانم‌ها می‌توانند علاوه بر گِردی صورت مقدار دیگری را هم با چادر بپوشانند؟

جواب: نه، باید گردی صورت کاملاً باز باشد.

اللَهمّ صَلِّ عَلَی محمّدٍو آلِ محمد